

## نامه نخست سغدی

دکتر سعید نظری\*

### چکیده

سغد نام باستانی منطقه‌ای اطراف درّه بدخشان در ماوراءالنهر بود. مرکز این منطقه شهر سمرقند است. مردم سغد در زمان ساسانیان به دلیل فعالیت‌شان در بازرگانی، بخصوص تجارت با چین و هند، معروف بودند و یکی از قطب‌های اصلی اقتصاد ایران بشمار می‌آمدند. از زبان سغدی در دوره میانه زبان‌های ایرانی، آثاری بسیار برجای مانده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، نامه‌های کهن سغدی است. نامه‌های کهن سغدی به زبان و خط سغدی به سال ۱۹۰۷ میلادی توسط سراورل استاین در یکی از برج‌های نگهبانی دیوار چین بدست آمد. این اسناد شامل پنج نامه کامل و چهار تکه پاره، شبیه به یک نامه است. نامه‌های سغدی تحولات سیاسی و اجتماعی مردمان آن روزگار چین را بازگو می‌کند. نامه نخست سغدی از طرف دختری از اهالی دون وانگ خطاب به همسرش نوشته شده است.

### کلید واژه

سغد، نامه‌های کهن سغدی، شهرهای چین.

---

\* دکترای فرهنگ و زبان‌های باستان و عضو هیأت علمی دانش‌گاه آزاد اسلامی واحد سنندج.

## مقدمه

سغد یکی از استان‌های امپراطوری هخامنشی بود که داریوش اول، در سنگ نبشته بیستون از این سرزمین یاد می‌کند. اکنون سغد، ازبکستان جنوبی و تاجیکستان غربی را در بر می‌گیرد. مردمان سغد تاجر بودند و از طریق بازرگانی و کشاورزی روزگار خود را می‌گذراندند. آثار مکتوب سغدی از نزدیک سمرقند تا یکی از برج‌های دون هوانگ (Dun-huang) و از مغولستان داخلی تا درهٔ سند در شمال پاکستان کشف شده است. زبان این سرزمین، زبان سغدی خوانده می‌شود. از زبان سغدی در دوره باستان اثری بر جای نمانده، ولی در دورهٔ میانه آثاری نسبتاً زیاد بدست آمده است. زبان سغدی بر اثر نفوذ زبان فارسی میانه و نیز زبان‌های دیگر از رواج افتاد و تنها تا قرن ۱۱ میلادی بدین زبان تکلم می‌شد. اما از آن پس جای خود را به زبان یغناپی (Yaghnābī) داد که امروزه در دره یغناپ، در میان کوه‌های زرفشان، بدان سخن گفته می‌شود. آثار سغدی مشتمل بر نوشته‌های روی سکه، سفالینه، نامه‌های کهن سغدی، کتیبهٔ افراسیاب، آثار کوه مغ، آثار بودایی، مسیحی، مانوی و چندین اثر گران‌بهای دیگر است.

## نامه‌های باستانی سغدی

از نظر تاریخی سکه نوشته‌های سغدی که تاریخ آن‌ها به قرن دوم میلادی می‌رسد، کهن‌ترین نوشته‌های زبان سغدی است؛ اما پیش‌تر سکه‌ها از قرن پنجم میلادی به بعد ضرب و در زادگاه قوم سغد، بویژه نواحی بخارا و سمرقند، پیدا شده است. سکه نوشته‌ها فقط اطلاعاتی دربارهٔ نام‌ها می‌دهد و محتوایی قابل ملاحظه ندارد. اما در سال ۱۹۰۷ باستان‌شناس شهیر مجاری سرورل استاین<sup>۱</sup> Sir Aurel Stein کاوش‌هایی را در مسیر جادهٔ ابریشم انجام داد که آثاری بسیار گران‌بها از این مناطق بدست آمد. این اسناد در یکی از برج‌های دیده‌بانی مخروبهٔ سلسلهٔ هان، در ۹۰ کیلومتری غرب دون - هوانگ<sup>۲</sup> در ایالت گانسو<sup>۳</sup> (بین دون - هوانگ و لویانگ) و ۵۵۰ کیلومتری شرق لولان<sup>۴</sup> در محوطهٔ باستانی "T.XII.a" (مراجعه شود به نقشه شماره: الف) بدست آمد. نامه‌های کهن سغدی به زبان و خط سغدی توسط سغدیان مقیم سین - کیانگ<sup>۵</sup> (ترکستان چین) و گانسو خطاب به هم‌وطنانشان در غرب (سغد یانا و سمرقند) و برخی از نواحی منتهی به چین نظیر دون - هوانگ سوز - هو<sup>۶</sup>، گوزانگ<sup>۷</sup> و جین - چنگ<sup>۸</sup> نوشته شده که میان شهرهای مزبور و خاک اصلی سغد (بخصوص سمرقند) رابطه‌ای بسیار نزدیک وجود داشته است. نامه‌های مزبور، تحولات سیاسی در



چین شمالی، ناامنی راه‌ها، مشکلات و مسائل تجاری در سغد، شرایط زندگی و فعالیت روزمرهٔ بازرگانان ساکن در لویانگ<sup>۹</sup> را بازگو می‌کند. این‌گونه بنظر می‌رسد که دست‌نوشته‌ها در کیف پستی در مسیر عبور از مرکز چین به غرب توسط نگهبانان مرزی چین مصادره گردیده و هرگز به دست دریافت‌کنندگان، نرسیده است. تاریخ‌نگاران بر این باورند که قاصدان موفق نشده‌اند به منزل مقصود برسند؛ آن‌ها به گرداب حوادث سخت و ناگوار افتادند، بنابراین کوشیده‌اند در برج، برای خود پناه گاهی پیدا کنند، ولی این کوشش نافرجام بوده است. آن‌ها کشته شده و کیسهٔ نامه‌های مذکور با مقصد مختلف، شانزده قرن در خرابه‌های برج مدفون بوده است. این اسناد، شامل پنج نامهٔ کامل و چهار تکهٔ پاره شبیه به نامه است که پیچیده در ابریشم قهوه‌ای رنگ، درون یک پاکت پارچه‌ای زیر از جنس کتان، بدست آمد (مراجعه شود به تصویر شماره دو). تمام نامه‌ها تا شده بود و این تاخوردگی، نوشته‌های نامه‌ها را تا حد امکان محفوظ نگاه داشته بود. البته آسیب دیدگی‌های جزئی در لبهٔ بیرونی برخی از نامه‌ها دیده می‌شد. کاغذهایی مربع شکل که این نامه‌ها بر روی آن نوشته شده، از لحاظ اندازهٔ ابعاد از یک نظم ویژه برخوردار بوده است که خود بیان‌گر یک اندازهٔ استاندارد، برای این اسناد است. عرض نامه‌های سغدی در حدود ۲۲ سانتی‌متر است که اندازهٔ استاندارد نامه‌های آن روزگار بوده است.<sup>۱۰</sup> این موارد، از دید باستان‌شناسان، بسیار مهم است Stein, Aurel, 1921, v.2, chap. Xviii, p.671. پژوهش‌گران در مورد تاریخ دقیق تحریرنامه‌ها اختلاف نظر دارند. سر «اورل استاین» از دیدگاه باستان‌شناسی موفق شد زمان دقیق نامه‌ها را مشخص کند. بدین وسیله وی از واقعیت مدارک چینی که در برج‌های نگهبانی همان ناحیه پیدا شده است، پرده برداشت و معتقد است که نامه‌ها در سال ۱۳۷ میلادی نوشته شده است. و.ب. هینینگ (W.B. Hening) در مقاله «تاریخ نامه‌های سغدی» نظریهٔ استاین در نیمهٔ اول قرن دوم را رد کرده و معتقد است حوادث و اتفاق‌هایی که در نامهٔ دوم بدان اشاره می‌شود - تاراج و ویرانی شهر لویانگ ویه<sup>۱۱</sup> و نیز فرار امپراتور توسط هون‌ها - در سال‌های ۳۱۱ و ۳۱۲ میلادی است. آ. فوجیدا Akira.Fujieda و هارمات Ja.No Harmatta خلاف نظر هینینگ را دارند. هارمات معتقد است که اتفاق‌هایی که در نامهٔ دوم بدان اشاره می‌شود، در سال‌های ۱۹۰ تا ۱۹۵ میلادی رخ داده است در حالی که فوجیدا، تاریخ نامه‌ها را قرن شش میلادی می‌پندارد و سرانجام به دفاع از نظریهٔ هینینگ می‌پردازد. سیمزویلیامز معتقد است که ویرانی شهرهای «لویانگ ویه» و فرار امپراتور از لویانگ در سال ۳۱۱ میلادی اتفاق افتاده است. از این رو تاریخ نامهٔ دوم را در همین سال‌ها می‌داند. به

هر حال با توجه به اتفاق‌هایی که در نامه‌ها بدان اشاره شده است، می‌توان حدس زد که نامه‌ها در سال ۳۱۳ میلادی نوشته شده است.

### نامه نخست

نامه نخست سغدی در سال ۱۹۰۷ با ابعادی در حدود  $۲۲ \times ۴۰$  سانتی‌متر، به صورت تاخورده و در حالی که با نخ محکم بسته شده بود، در محوطه باستانی "T.XII.a" در غرب دون - هوانگ بدست آمد. در گوشه بالایی نامه، تا خوردگی مشاهده می‌شود که بر روی آن، نشانی نامه در سه سطر کوتاه نوشته شده و پاره‌ای از خطوط آن (نیمی از آن) با گذشت زمان از بین رفته است. در بخش تانخورده (متن نامه) ظاهراً دوازده سطر نوشته شده که به دلیل سهل انگاری در حفظ نامه، بخش‌های میانی آن (خط یک تا شش) از بین رفته است (مراجعه شود به تصویر شماره: یک).

نامه از طرف دختری پریشان حال از اهالی دون - هوانگ به نام «میوانای» Mēwānāy خطاب به مادرش چاتیس čatis نوشته شده است. شوهر میوانای مدتی است برای سفر یا مأموریت دولتی به جایی رفته و او از مادر اجازه می‌خواهد تا نزد وی برود، اما بنابه دلایلی - شاید مخالفت اقوام همسرش برای دیدن مادر - از روحانیان و بزرگان محل تقاضای کمک می‌کند. از مفاد این نامه دریافت می‌شود که بین دختر و مادر فاصله مکانی بسیار وجود دارد. علاوه بر این هیچ گونه رابطه‌ای بین دختر و مردان نام‌برده در نامه وجود ندارد و حتی به نام همسر دختر، مکان، محل، و تاریخ نامه نیز اشاره‌ای نشده است.



## حرف نوشت:

MN δwγδr	‘D pryw
Myw’nyh	m’th
‘z’tčh	[čt/ysh]

- 1 [MN δw]xδryh myw’nyh<sup>12</sup> ‘z[‘]tčh ‘D [p]ryw m’th č’tysh<sup>13</sup> [‘]pryw nm’[čyw]
- 2 ‘PZYš šy[r] YWM ZKZYβ XZYH ZY δrwčh ‘nčyh ‘HRZY[mnZK]<sup>14</sup> YWM prtr ZY ‘YKZY-βn [xwt]y wyn’ym-(n)<sup>15</sup>
- 3 Pr δrwst’[t]wh ‘HRZY-m<sup>16</sup> ‘nm’’k<sup>17</sup> k’δyw ‘PZYβ wyn’ym<sup>18</sup> ‘HRZY βxtk nyst ‘HRZY-m
- 4 Ptškw’t s’γ’r’k β’nk[r’]m ‘HRZY β’nkr’m [m’]δ w’βt ‘nyw ZYmδ’ nny[δt]<sup>19</sup> pntw
- 5 Nyst ‘YKZY ‘rtyβ’N<sup>20</sup> ‘hrzy-m ptškw’t ‘rtyβ’N ‘HRZY m’δ w’βt prnxwnt ZY
- 6 ‘xšnyβnt<sup>21</sup> ‘HRZY prnxwnt
- 7 m’δ m’δ w’βt kδZY nyš kt’w’ntk γwtm L’ ptynt ‘PZYtnšw’y pyts’r ‘k’w
- 8 m’th ‘YKZYt<sup>22</sup> ‘zw škr’n ‘HRZY pčks’ ‘YKZY nmčw’ s’ntys’t<sup>23</sup> ‘HRZY ‘st kδ
- 9 nnyδt tys’t ‘HRZY ‘zw’m βyzβr’k ‘pw nγ’wδn ‘pw ‘nγ’mk<sup>24</sup> ‘HRZY xwyz’m<sup>25</sup> p’rh<sup>26</sup> ‘HRZYm m’δ wγtw δ’rt
- 10 ‘HRZYm nyδ nmt δβrt ‘HRZY ptwyδ’m ‘č βγnptw ZKwsrδm’nytw
- 11 ‘HRZY kδ šwy ‘HRZYtn ‘zw ‘xwštrw δβr’n ‘HRZY mrt’xmkšwy’ ‘HRZY ‘wy r’δyh
- 12 Šyr’kk kwn’n ‘HRZYm wytwr kwny ‘PZYm δyγh prstyy.

## آوانوشت:

čan	duɣdar	ar	parēw
mēwānīh		māt	
āzāč		[čatis]	

- [čan duɣdarya Mēwānāy āz[ā]č ar [p]arēw māt čatis [ā]friw namā[čyu]
- utəti – š ? ši[r] mēθ xoti – fa wēn ti δruč ančay erti – [m xō] mēθ fratar ti kađuti – fan [xut]ē wēnēm – (n)
- par δrustā[t]u erti – man anmāk kāđyu utəti – fa wēnēm erti baxtē nēst erti – m
- patškwāt Sāyarak βānka[rā]m erti βānka[rā]m [mā]δ wāβt anya ti mađa Nanai[– dat ] pan(d)taru
- nēst kađuti Artewan erti–m patškwāt Artewan erti māδ wāβt Farn – xund ti
- əxšnē – βandē erti čānu nē namu (ə)paθβērāt nē namu patxut erti Farn – xund
- māδ māδ wāβt kađūti niš katāwandē xwatam nē patsēnd utəti – tan šawe patsār (ə)kō
- māt kađuti – t azu škarān erti pačkasa kađuti nmčw' s'n tisāt erti ast kađ
- Nanai – dat tisāt erti (ə)žawām βəžβarē (ə)pu niyōdan (ə)pu anyāmē erti xwēzām pār erti – m māδ waydu dārt
- erti – m nēdē namat δbart erti patwēdām ač βayn-patu awu sarōmānētu erti kađ
- šawe erti – tan azu axuštru δβarān erti martəxmē šawya erti awi rāθī
- širē kunān erti – m witūr kunē utəti – m diɣa frastaye.



## برگردان

از: دختر میوانای<sup>۲۷</sup> نجیب‌زاده

به: مادر(ش) چاتیس<sup>۲۸</sup>

۱. از طرف دختر میوانای نجیب‌زاده به مادر(ش) چاتیس آفرین و نماز (او) را
۲. پس او (همسرش) روز خوب (خواهد داشت) آن که تو را سلامت و آرام بیند، پس برای ما آن روز بهتر (خواهد بود) چون خودم
۳. تو را در سلامت بینم و بسیار مشتاقم که تو را بینم و بخت نیست (= بخت آن را ندارم)
۴. آن‌گاه من عرض کردم به ساگارا<sup>۲۹</sup> رایزن و رایزن چنین گفت: دیگر این‌جا (کسی) به ننه - دات (=داده‌ی ننه)<sup>۳۰</sup> نزدیک‌تر نیست چون اردوان<sup>۳۱</sup>
۵. آن‌گاه من به اردوان چنین عرض کردم و چنین گفت: فرن - خوند (= فرخند)<sup>۳۲</sup> خشنودی خدمت‌کاران (را جلب می‌کند)
۶. و چون با عجله رد کردم و با نفرت نپذیرفتم پس فرن - خوند
۷. چنین گفت: حال چون خویشاوند همسر (شما) قبول نکرد که تو به (نزد) مادرت روی
۸. چگونه من تو را همراهی کنم پس صبر کن چنان‌چه ... خواهد آمد و پس هست اگر
۹. ننه - دات بیاید و بدبخت (در فلاکت) زندگی می‌کنم بدون پوشاک و بدون خوراک و درخواست وام کردم
۱۰. و هیچ کس به من نمد نمی‌دهد (= کمک نمی‌کند) و از روحانی، خوشی (خبر خوش) را هدیه گرفتم پس به من چنین گفت:
۱۱. اگر بر روی من تو را یک شتر خواهم داد پس باشد که مردی (با تو) بیاید و در راه
۱۲. به خوبی (از تو مراقبت) کند پس باشد که انجام دهد تا این‌که برای من نامه بفرستی.

## واژه‌نامه

**1. 'pryw** درود، آفرینāfry(u)?  
< \*ā-friya

اسم مذکر

حالت رایبی

ق: ۲۲۰

i.1

**2. 'z'tč** زن آزاده، نجیب زاده

āzāč

صفت مؤنث

حالت فاعلی

ق: ۴۰۱

i.1

،

**3. 'č** از

ač

&lt; \*hača

حرف اضافه

ق: ۶۱۶

گ: ۸۵

i.10

**4. 'HRZY** سپس، پس آن‌گاه (هزوارش)

ər̥ti

حرف ربط

ق: ۲۰۷۶

i.1-12

**5. 'k'w → 'kw**

ق: ۸۴۷

i.۷

**6. 'nčy** آرام، آسوده

ančy

&lt; \*ham-čyā-ya

حالت فاعلی

i.2

**7. ny'mk** زن آزاده، نجیب زاده

anyāmē

اسم مذکر

حالت غیر فاعلی

ق: ۹۹۰

i.9

**8. 'nm'k** مشتاق

anmāk

صفت

حالت فاعلی

ریشه نامعلوم است

ق: ۲۲۰

i.3

**9. 'ny-** دیگر

Ani,ane

&lt; \*anya

صفت

حالت رایبی

i.4

**10. 'pδβyr** شتاب کردن، عجله کردن

(ə)paθβēr

&lt; \*upa-θwar-(aya)

'pδβyr't

ماضی ثانویه سوم شخص مفرد

ق: ۱۲۶۱

گ.پا: ۲۹۳

i.6

**11. 'pw** بدون، بی

(ə)u

&lt; \*apam

حرف اضافه

ق: ۱۳۶۳

گ.پا: ۱۱۶۴

i.9

**12. 'PZY** که، و، پس (هزوارش)

utət̥i,tuti

&lt; \*uta-uti&lt;\*utti

حرف ربط

ق: ۱۴۱۵

گ.پا: ۳۰۷

i.2,3,7,12

**13. 'st**

Ast

مضارع سوم شخص مفرد

i.8



## 14. 'rtyβ'n اردوان

artewan  
اسم مذکر خاص  
حالت فاعلی  
ق: ۱۵۰۹

i.5

## 15. 'wy او، آن

artewan  
اسم مذکر خاص  
حالت فاعلی  
ق: ۱۵۰۹

i.5

## 16. 'xšnyβnt خشنودی خدمت گزار

əxšnē-βandē  
صفت مرکب  
حالت غیرفاعلی

i.7

## 17. 'xwštr - شتر

axuštr  
'xwštrw  
اسم مذکر  
حالت رایبی

ق: ۲۱۲۹

i.11

## 18. 'YKZY

چون، اگر، چنان که، وقتی که (هز)  
kaḍuti,čānu-ti?

قید

ق: ۲۱۷

i.2,5,8

19. 'zw<sup>1</sup> - من

azu  
< Av. azəm; op. adam; parth. az  
ضمیر اول شخص مفرد  
حالت غیرفاعلی

ق: ۲۳۴۷

گ.پا: ۱۳۳۸

i.8,11

20. 'zw<sup>2</sup> - زندگی کردن، زیستن

(ə)žaw, (ə)žu  
'zm'm

مضارع اول شخص مفرد

ق: ۲۳۴۸

گ.پا: ۲۶۴ ن ۱

i.9

β

21. β<sup>1</sup> - تو، شما

Fa  
<θwam  
ضمیر دوم شخص مفرد  
ق: ۲۴۳۴

حالت فاعلی

i.2,3

## 22. β'nkr'm مشاور، رایزن

βānkarām  
اسم مذکر  
حالت فاعلی

i.4

## 23. βγnpt کاهن، جادوگر

βaγn-pat  
βγnptw

اسم مذکر

حالت غیرفاعلی

ق: ۲۵۷۸

i.10

## 24. βn شما، به شما، شمارا

Fan  
Khwar.fn

ضمیر دوم شخص مفرد

حالت غیرفاعلی

ق: ۲۶۳۶

گ: ۱۳۸۱

i.2

## 25. βryy-wr → βry-wr

ق: ۲۸۰۹

i.1

## 26. βxtk بخت

baxtē

صفت

حالت فاعلی

i.3

## 27. βyzβr'k بدبخت

βəžβarē

اسم مذکر

حالت فاعلی

ق: ۳۰۶۴

i.9

č

**28. č'tus** چاتیس

čatis

اسم مؤنث خاص

حالت فاعلی

**29. čnw** چون، مانند

čanu

قید

ق: ۳۲۴۲

i.6

**δ****30. δ'r-** داشتن، نگاه داشتن

δār

&lt;op.dāraya

δ'rt

ق: ۳۴۱۲

گ.پا: ۸۵۵، ۸۰۰-۸۷۷، ۲۸۵

wytwδ 'rt → ماضی نقلی متعدی

i.9

**31. δβr-** دادن، بخشیدن

δβar, θfar

&lt;\*fra-bara-; khot.haur; khwar.hβr-δβrt

مضارع دوم شخص مفرد

ق: ۳۴۹۹

گ.پا: ۹۵۷، ۹۳۱، ۸۸۳، ۸۵۶

δβrt

مضارع سوم شخص مفرد

i.10

δβr'n

التزامی اول شخص مفرد

i.11

**32. δrwč** سالم، تن درست

δruč, žuč

صفت مؤنث

حالت فاعلی

ق: ۳۶۰۷

i.2

**33. δrwst't** سلامتی، تن درستی

δrustāt

δrwst'twh

اسم مؤنث

حالت غیر فاعلی

ق: ۳۶۱۳

i.12

**γ****34. δwxth** → δwγδr

ق: ۳۶۸۷

i.1

**35. δyγh** → δykh

ق: ۳۷۴۱

i.12

**γ****36. γwtm** خویشاوند

Xwatam

&lt;\*xwatama; &lt;tauxma

اسم مذکر

حالت غیر فاعلی

ق: ۴۴۷۴

گ.پا: ۱۲۷، ۴۴۴

i.7

**H****37. HZYH** (هزوارش) دیدن

Wēn

مضارع سوم شخص مفرد

ق: ۴۵۶۴

i.2

**K****38. k'δy** بسیار، خیلی، کاملاً

kāδy/y/e/i

&lt;\*k ādiya

kδ'yw

قید

ق: ۴۶۳

i.3, v.19

**39. kδ** هروقت، وقتی که، اگر

kaδ

&lt;kaδā

ق: ۴۷۰۳

گ.پا: ۱۵۸۱

i.11,8

قید

ق: ۴۶۳

i.3, v.19

**40. kδZY** → kδwty

ق: ۴۷۲۷

i.7

41. **kδwty** اگر، چنانچه، چون

kaδūti

ق: ۴۷۲۳

گ.پا: ۱۱۸، ۱۶۸۵

قید

i.7

42. **kt'w'ntk** شوهر

kδ'yw

قید

ق: ۴۶۳

i.3, v.19

43. **kwn-** کردن

kun

<\*krnu;op.kunau

Kwn'n

التزامی اول شخص مفرد

i.12

kwny

تمنایی سوم شخص مفرد

i.12

**L**

44. **L'** نه (هزوارش)

nē

ادات نفی

ق: ۵۱۴۷

i.7

**m**

45. **-m** من

m

ضمیر اول شخص مفرد

حالت غیر فاعلی

ق: ۵۱۶۲

گ.پا: ۱۳۴۶

i.3,5,9,12

46. **m'δ** چون، چنین، مانند

māδ/θ

<\*hama-aθa;Av.hamaθa

قید

ق: ۵۱۷

گ.پا: ۳۹۷

i.4,5,7,9

47. **m't** مادر

Māt

<\*mātar-

اسم مونث

حالت فاعلی

ق: ۵۲۴۴

گ.پا: ۹۴۰

i.8,1

48. **mδ'** این جا

maδa

قید

ق: ۵۲۸۳

i.4

49. **MN** از (هزوارش)

čan

حرف اضافه

ق: ۵۳۳۰

i.1

50. **mn** ما، به ما، مارا

man

ضمیر اول شخص جمع

ق: ۵۳۳۱

گ.پا: ۸-۱۳۷۶

i.2

51. **mrt'xm̄k** →

mrtym'k, mrtxmy(y)

ق: ۵۴۵۴

i.11

52. **mrtym'k lvn̄l**

martəxmē

اسم مذکر

حالت فاعلی

ق: ۵۴۵۸

i.11

53. **myw'ny** میوانای

miwānāy

اسم مونث خاص

حالت فاعلی

i.1

**n**

54. **n** جز تاکیددی با معنی نامعین

n

i.2

**55. ny'wδn** لباس، پوشاک، جامه

niyōδan

اسم مذکر

حالت غیرفاعلی

ق: ۵۸۹۷

i.9

**56. nm-**

پذیرفتن (بیشترین کاربرد با حرف نفی در معنی قبول نکردن، رد کردن)

nam

&lt;sk.namo

nm'w

ماضی غیرتام اول شخص مفرد

ق: ۵۹۶۲

گ.پا: ۸۱۸ آ

i.6

**57. nm'čy** نماز، تعظیم، نیایش

namāčy

nm'čyw

ق: ۵۹۷۰

اسم مذکر

حالت رایبی

i.1

**58. nmw'**

ریشه و معنای آن نامعلوم است

i.8

**59. nmt** نمد

namat

&lt;Av.nəmata;Khot.namata

اسم مذکر

حالت فاعلی

ق: ۶۰۰۲

i.10

**60. nny-δt** ننه - دات

Nanai-δat

اسم مذکر خاص

حالت فاعلی

i.4,9

**61. nyδk** هیچ کس

nēδē

&lt;\*naiad-ka

ضمیم

حالت فاعلی

ق: ۶۲۴۳

i.10

**62. nyst-** نیست

nēst

&lt;\*nē-asti

مضارع سوم شخص مفرد

ق: ۶۲۹۹

گ.پا: ۷۳ ن ۷۸۴، ۱

i.5,3

**63. nyš** به علاوه، اینک، در حال، هان

niš

ادات

ق: ۶۳۱۲

گ.پا: ۲۹۹

i.7

**p****64. p'r** وام، قر

pār

اسم مذکر

حالت فاعلی

ق: ۶۴۵۳

i.9

**65. pčks** منتظر بودن؛ انتظار داشتن

pačkas

pačks'

ماضی غیرتام سوم شخص مفرد

ق: ۶۴۵۳

گ.پا: ۷۷۵

i.8

**66. pntr** نزدیک تر

pand(d)tar

pntrw

صفت تفصیلی

حالت رایبی

ق: ۶۹۱۵

گ.پا: ۱۲۸۵

i.4

**67. pr** بر، به در، برای

par

&lt;\*upari; Yaghn.par;khwar.pr

حرف اضافه

ق: ۶۹۲۲

گ.پا: ۹۶، ۱۶۲۵

i.3

**68. prnxwnt** فرن – خوندFarn-xund  
اسم مذکر خاص

حالت فاعلی

i.5,6

**69. prsty-** فرستادن

fastay

ق: ۷۲۱۱

Prstyy

ماضی دوم شخص مفرد

i.2

**70. pntṛ** بهتر، بیش تر

fratar

&lt;Av.fratara

حالت اضافه

i.2,ii.49

**71. pryw** به آن، بر آن

parēw

&lt;upari-aiva

حالت اضافه

ق: ۷۴۰۴

گ.پا: ۱۴۹۶

i.1

**72. pts'r** در جهت عکس، به عقب، سپس

patsār

حرف اضافه

ق: ۷۸۷۹

i.7

**73. ptsynt-** پسندیدن، قبول کردن

patsēnd

ماضی غیرتام سوم شخص مفرد

ق: ۷۹۱۴

i.7

**74. ptkw'y-** عرض کردن، گفتن

patškwāy

ptškw't

ماضی غیرتام سوم شخص مفرد

ق: ۷۹۳۳

گ.پا: ۳۰، ۱۶۴، ۱۷۰، ۵۶۷

i.4,5

**75. ptwyδ²-**

نشان دادن، تسلیم شد، هدیه کردن، سپردن

ptwēδ

ptwyδ'm

مضارع اول شخص مفرد

ق: ۷۹۹۷

گ.پا: ۳۰۲، ۶۲۲

i.10

**76. ptxwt** سرزنش، منفور؟

patxut

صفت

حالت اضافی

ق: ۸۰۱۵

i.7

**77. pyts'r → pts'r**

ق: ۸۳۸۸

i.7

**R****78. r'δ** راه

rāθ

&lt;Yaghn.rōt/s

r'δyh

اسم مونث

حالت غیر فاعلی

ق: ۸۴۱۴

i.11

**S****79. s'γ'r'k** ساگاراک

sāγrak

اسم مذکر خاص

حالت فاعلی

i.4

**80. s'γ'r'k** ساگاراک

sāγrak

اسم مذکر خاص

حالت فاعلی

i.4

**81. s'n** ریشه و معنای آن نامعلوم است

i.8

**82. srδm'nyt** خوشحالی

sarδmānēt

srδm'nyt

صفت جمع

srδm'nyt

حالت رایبی

i.10

**S****83. š** ش، اش

š

ضمیر سوم شخص مفرد

حالت غیر فاعلی

ق: ۹۱۴۶

گ.پا: ۳۶۶، ۶۲۹

i.2

**84. škr-** دنبال کردن، همراهی بودن

škar

ق: ۹۲۱۲

گ.پا: ۳۶۶، ۶۲۹

škr'n

التزامی اول شخص مفرد

i.8

**85. šw-** رفتن، شدن

šaw, šō

&lt;op.šyava-; &lt;čyav

šw'y

مضارع دوم شخص مفرد

i.7, 11

šwy'

تمنایی دوم شخص مفرد

i.11

**86. šy'kk** → šy'kk, šyrk

ق: ۹۴۱۲

i.12

**87. šyr'k** خوب، زیبا

širak, širē

ق: ۹۴۰۸

گ.پا: ۹۸۲ ن ۱۲۰۸، ۲

صفت

حالت غیرفاعلی

i.12

**T****88. -t** تو

(ə)t

&lt;op.taiy

تو

ضمیر دوم شخص مفرد

حالت غیرفاعلی

ق: ۹۴۷۰

گ.پا: ۱۳۵۷

i.8

**89. tn** شما، شان

tan

ضمیر دوم شخص جمع

ق: ۹۶۰۶

گ: ۱۳۸۳

i.7, 11

**90. tys-** وارد شدن

tis

&lt;\*ati-isa; Yaghn.tis

tys't

ماضی سوم شخص مفرد

ق: ۹۷۵۵

گ.پا: ۵۳۹، ۶۱۴

i.8, 9

**W****91. w'β-** گفتن

wāβ

w'βt

ماضی سوم شخص مفرد

ق: ۹۷۷۳

گ.پا: ۶۰۳

i.5, 7, 4

**92. wyt -** گفتن

Wayd, uyd

wytw

ق: ۱۰۰۳۰

گ.پا: ۶۰۲، ۹۲۳

صفت مفعولی

حالت رایبی

→ wytw δ'rt ماضی نقلی متعدی

i.10

**93. wyn -** دیدن

wēn

&lt;\*waina; Av.vaēna

wyn'ym

تمنایی اول شخص مفرد

ق: ۱۰۳۹۴

گ.پا: ۵۷۹، ۳۳

i.3

wyn'ym

مضارع اول شخص مفرد

i.2

**94. wytwr** تا

witūr

حرف ربط

ق: ۱۰۵۵۰

i.12

**X****95. xwty** (خودم، خودش، خودشان)

xutē

برای تأکید ضمائر شخصی بکار می‌رود

ق: ۱۰۸۲۴

گ.پا: ۴۰۲، ۱۳۹۰، ۱۶۷۸

i.2

**96. xwyz** خواستن

xwēz, xoyz, [xōz]

&lt;\*xwāzaya

Xwyz'm

مضارع اول شخص مفرد

ق: ۱۰۸۵۳

گ.پا: ۲۳۲

i.9

**97. XZYH → HZYH**

ق: ۱۰۸۸۰

i.2

**y****98. YWM** روز (هزوارش)

mēθ

اسم مذکر

حالت فاعلی

ق: ۱۱۰۵۵

i.2

**Z****99. ZK** آن، او (هزوارش)

xō

ضمیر

حالت فاعلی

ق: ۱۱۲۹۳

i.2

**100. ZKw** آن‌را، او را (هزوارش)

awu/ō

ضمیر

ق: ۱۱۲۹۷

i.10

**101. ZKZY** کسی که، آن که (هز)

kēti?, xoti?

ضمیر موصول

ق: ۱۱۳۰۳

i.2

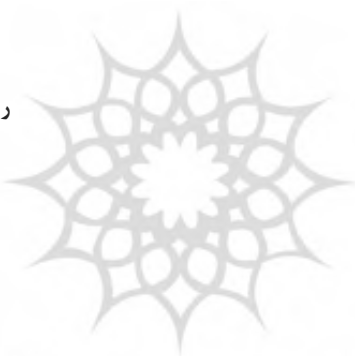
**102. ZY** و، که (بیانی) (هزوارش)

ti

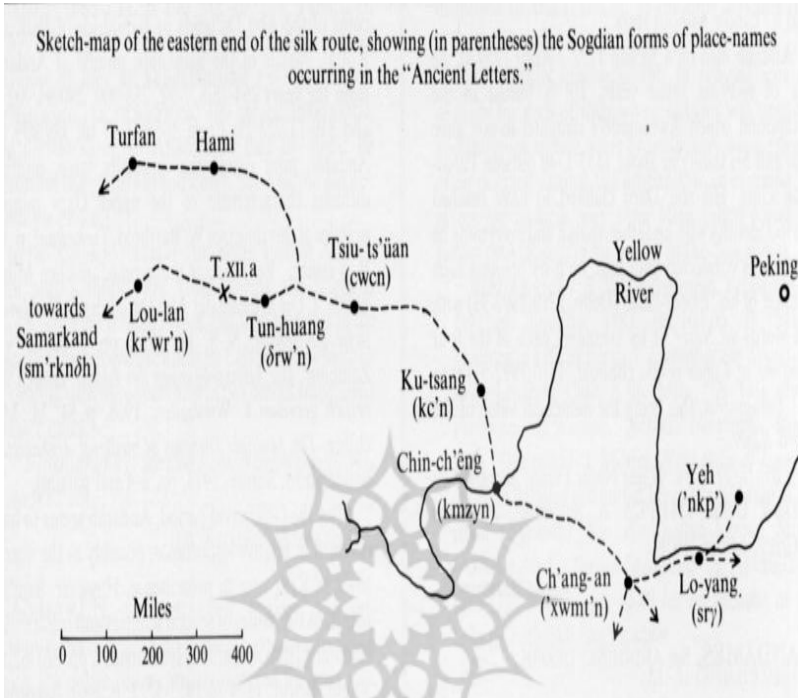
حرف ربط

ق: ۱۱۵۱۶

i.2,4,5



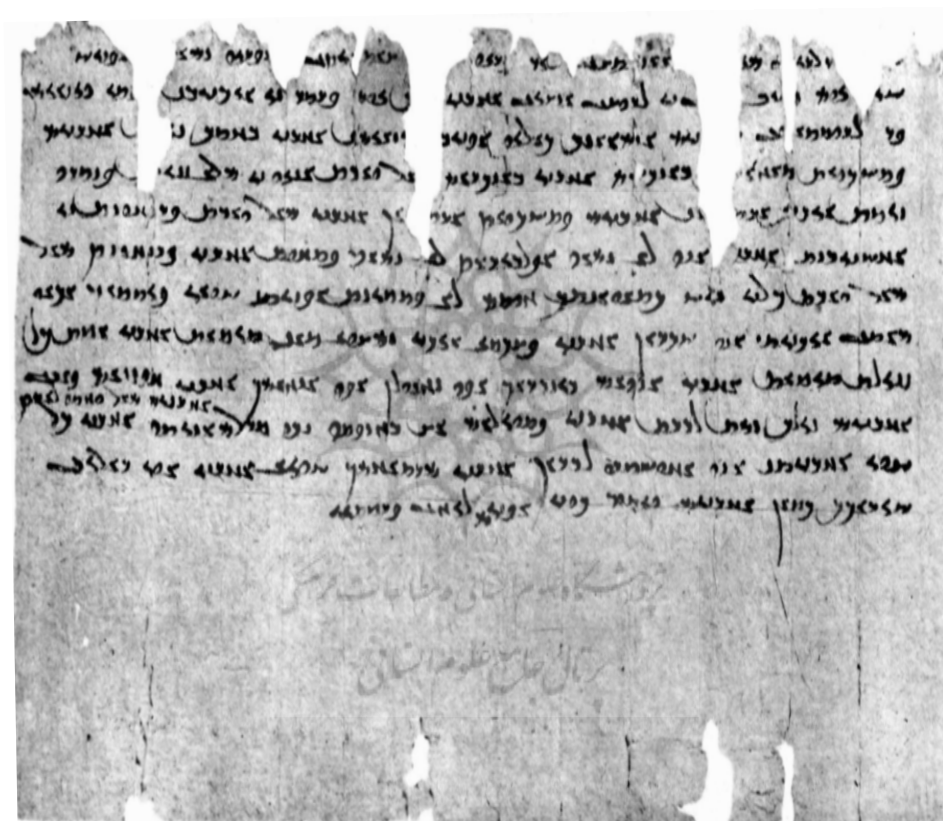
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی



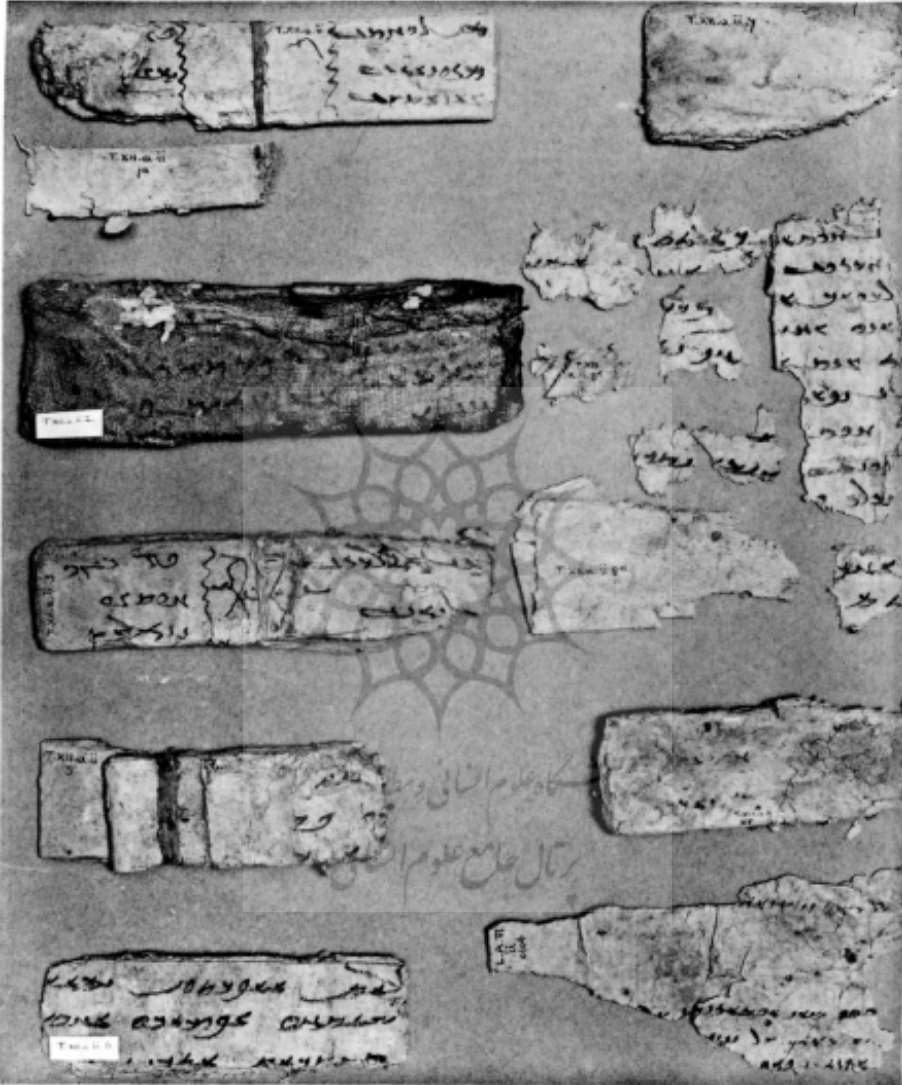
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

Sims-williams , Nicholas,1992,ancient letters  
Encyclopedia Iranica





Stein,1921:voL.4,p.329



## پی‌نوشت‌ها

۱. سراورل استاین در ۲۶ نوامبر ۱۸۶۲ در بوداپست کشور مجارستان چشم به جهان گشود. استاین برای ادامه تحصیل در رشتهٔ زبان‌های شرقی و باستان‌شناسی عازم انگلستان شد و در آن‌جا موفق به کسب درجهٔ دکتری گردید. وی در سال ۱۸۸۸ میلادی به هند رفت و با سمت رئیس کالج شرقی در لاهور، مشغول تحقیق شد و در آن‌جا ده سال از عمرش را سپری کرد. سپس این شرق‌شناس، تحقیقاتش را دربارهٔ آسیای میانه و خاور نزدیک شروع کرد. نخستین سفر استاین (۱۹۰۰-۱۹۰۱) صحرای تاکالاماکان بود. سفر دوم وی آسیای میانه (۱۹۰۶) بود که در این سفر، سراسر شاخهٔ جنوبی جادهٔ ابریشم را که گرداگرد تاکالاماکان کشیده می‌شد طی کرد تا به شهر باستانی لولان رسید و در آن‌جا، بر روی مکان‌های باستانی خادلیک، نیا و چند محوطهٔ دیگر به کاوش پرداخت. استاین در سفر سوم خود، به سال ۱۹۱۴ به دون - هوانگ بازگشت و کاوش‌هایی را در غارهای هزار بودا انجام داد. این باستان‌شناس در سن ۸۰ سالگی در سال ۱۹۴۳ درگذشت. (www.the Hungarian Quarterly vol:xl iii, no:16)
۲. شهرستان دون - هوانگ (Dung-huang) در شهر جیاو - گوان شرق ایالت گانسو واقع است. این شهرمرزی دروازهٔ راه تجاری آسیای مرکزی محسوب می‌شد که به سال ۱۱۷ قبل از میلاد توسط امپراطوری وودی (Wudi)، از سلسلهٔ هان تأسیس شد. شهر دون - هوانگ آخرین منزل‌گاه حفاظت شده برای مسافران و بازرگانان جاده ابریشم بود و تاجران، قبل از حرکت به سوی سین - کیانگ، مدتی را در این شهر برای استراحت و تیمار اسبان و اشتراک خود سپری می‌کردند و در موگاو (Mogao) - غارهای هزار بودا - برای سفر خود به دعا و نیایش متوسل می‌شدند. با موقعیتی که این شهر در آن روزگار داشت می‌توان گفت که نقطه ورود مبلغان آیین بودایی و محل تقاطع دو شاخهٔ مهم جادهٔ ابریشم بوده است.
۳. گانسو (Gansu یا Kan-su) با وسعتی در حدود ۴۵۴۰۰۰ کیلومترمربع در شمال شرقی چین واقع شده است. همسایگان این ایالت در غرب سین - کیانگ و در شرق شانسی و در شمال مغولستان داخلی است. مرکز گانسولان - جو (Lanzhou) در جنوب شرقی واقع شده است. از شهرهای دیگر این ایالت می‌توان به وو - وی، جیو - گوان و دون - هوانگ اشاره کرد. در مسیر جاده ابریشم، گانسو نقشی بسزا در تبادلات اقتصادی و فرهنگی بین چین و غرب داشت. دیوار بزرگ را چندان گسترش دادند تا این منطقه را در بر گیرد.
۴. لولان (lou - lan) یا کروارانا شهر تجاری کوچک و مترقی با تاریخی ۱۶۰۰ ساله، و جمعیتی چهارده‌هزار نفری، هم مرز دون - هوانگ و شهرنیا و در غرب دریاچهٔ لوپ نور - شمال شرقی واحهٔ تاریم - واقع شده بود. این شهر در سال ۱۷۶ قبل از میلاد توسط سلسلهٔ هان بنا شد. لولان قلب جادهٔ ابریشم محسوب می‌شد و پل ارتباطی چین به غرب

- بود چنان‌که بازرگانان نواحی مختلف برای عبور از جاده ابریشم، مدتی را در این منطقه گرد می‌آمدند. لولان با شهرتی که بدست آورده بود، ناگهان در سال ۶۳۰ میلادی پس از هشتصد سال درخشش، ناگهان از صحنه روزگار محو شد. باستان‌شناسان معتقدند که شرایط بد آب و هوا و طغیان رودخانه‌ها و نیز تغییر مسیر جاده ابریشم، این شهر را متروک ساخت. از این رو، پس از ۱۶۰۰ سال حیس در زیر شن‌های داغ صحرای تاکالاماگان، در ۲۸ مارس ۱۹۰۰ میلادی، باستان‌شناس سوئدی، سوان هدن S.Headn این شهر خاموش را پس از سالیان مدید کشف کرد (www.the ancient state of loulan)
۵. سین - کیانگ (xinjiang) نامی چینی و به معنی رودخانه غربی است. که در زبان فارسی آن را ترکستان چین نامیده‌اند. این ایالت با وسعتی در حدود ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومترمربع، در شمال شرقی چین، در همسایگی کشور قرقیزستان، تاجیکستان و پاکستان در غرب و فلات تبت در جنوب و ایالت گانسو در شرق واقع شده است. مرکز آن اورومچی Uruimqi و از شهرهای مهم آن کاشغز، ختن و ترفان است. ایالت سین - کیانگ در زمان سلسله کینگ بدین نام خوانده شد.
۶. امروزه سوز - هو Suzhou با نام جیا یو - گوان خوانده می‌شود. جیا یو - گوان در شمال غرب ایالت گانسو واقع شده است و نیز این شهر هم‌چون شهرهای دیگر ایالت، نقشی بسزا در جاده ابریشم ایفا کرده است.
۷. امروزه، گوزنگ Guzang با نام وو - وی Wuwei خوانده می‌شود. وو - وی در شمال شرقی گانسو واقع شده است.
۸. امروزه جین - چینگ Jincheng تحت عنوان لان - جو Lanzhou مرکز گانسو است که در شمال این ایالت واقع شده است.
۹. از ایالت‌های باستانی چین، هنان Henan با وسعتی در حدود ۱۶۷۰۰۰ کیلومتر مربع است. شهرهای مهم آن عبارت است از: لویانگ Lo- yang یا Luoyang، آنیانگ Anyang و کایفنگ Kaifeng. لویانگ یکی از شهرهای شمالی هنان است که از نظر تاریخی قدمتی کهن داشته و سالیان سال پایتخت سلسله‌های بزرگ چین بوده است. از آن، به عنوان یکی از هفت پایتخت بزرگ باستانی چین یاد می‌کنند:
- سال ۲۵۶-۷۷۰ قبل از میلاد پایتخت سلسله زو شرقی Zhou
  - سال ۲۵-۲۲۰ میلادی پایتخت سلسله هان شرقی Han
  - سال ۴۹ میلادی پایتخت سلسله وی شمالی Wei
  - سال ۶۰۵ میلادی پایتخت سلسله سوی Sui
- در این شهر اولین معبد بوداییان چین به قرن ۱۶ میلادی واقع شده است.
۱۰. با بررسی و مطالعه نامه‌ها متوجه می‌شویم که نامه‌ها مطابق با الگوی سنتی نوشته شده بود. به عبارت دیگر نامه‌ها با سبک ساده نامه‌نویسی و به زبان متداول محاوره‌ای، حاوی مقداری زیاد از لغات ساده است که در زندگی روزمره بکار رفته است و با عبارتی مودبانه و

احوال پرسی خاص در ابتدای نامه شروع می‌شود. نیز در پایان نامه، نام نویسنده، گیرنده، محل و تاریخ نامه را می‌بینیم. پس از نوشتن نامه، آن را تا کرده و درون یک پاکت کوچک قرار می‌دادند و آدرس را روی یک طرف پاکت می‌نوشتند که حاوی نام گیرنده و فرستنده بوده است. قابل ذکر است که ساختار نوشتاری نامه مانند نامه‌های امروزی است.

۱۱. شهرستان یه Ye یکی از شهرهای باستانی چین است که در شهر آنیانگ در ایالت هنان واقع شده است. این شهر سالیان سال برای پادشاهان سلسلهٔ شمالی حایز اهمیت بوده و در زمان سلسلهٔ وی Wei شرقی و کی Qi شمالی، به عنوان پایتخت برگزیده شده بود.

۱۲. این واژه را می‌توان به صورت mywzy'h حرف نویسی کرد.

۱۳. راشیلت، هینینگ و سیمز ویلیامز: واژهٔ čatis را اسم زنی می‌پندارند. بدین جهت با توجه به این که در اسناد Niya (منطقه‌ای نزدیک لوپ نور چین) زنی با این نام دیده شده، از این رو واژه را čatis حرف نویسی می‌کنیم.

۱۴. راشیلت: ضمیر اول شخص مفرد m- . بنابراین با توجه به بافت جمله، آن را اول شخص جمع mn- تصحیح می‌کنیم.

۱۵. راشیلت فعل را اول شخص جمع wyn'ymn حرف نویسی کرده است. بنابراین با توجه به بافت جمله این فعل را اول شخص مفرد wyn'ym تصحیح می‌کنیم و پسوند n- را شناسهٔ تأکیدی می‌گیریم.

۱۶. راشیلت: ym////. از این رو این واژه را به صورت HRZYm تصحیح کرده است.

۱۷. ریشه نامعلوم است و می‌توان به صورت 'k 'zm تصحیح کرد، در حال یکه سیمز ویلیامز این واژه را به معنای «مشتاق» ترجمه می‌کند.

۱۸. راشیلت حرف نویسی نکرده است. بدین جهت براساس بافت جمله به صورت wyn'ym مضارع اول شخص مفرد بازسازی می‌کنیم.

۱۹. راشیلت: znyδt .

۲۰. سیمز ویلیامز: Artewan.

۲۱. سیمز ویلیامز این واژه را ترجمه نکرده است. بنابراین با توجه به ترجمه راشیلت، واژه را به صورت ذیل ریشه‌یابی می‌کنیم: xšnēv-βnd < xšnāv(a)y-βnd > xšnyβnt که معنای این واژه «خشنودی خدمت کاران» است.

۲۲. راشیلت: ضمیر دوم شخص جمع tn- . پس با توجه به بافت جمله، آن را بصورت ضمیر دوم شخص مفرد t- تصحیح می‌نماییم.

۲۳. ریشه نامعلوم است.

۲۴. می‌توان به صورت zymk تصحیح کرد.

۲۵. راشیلت: x'w'n'm و هینینگ: xps'm .

۲۶. راشیلت: p'nh به معنای «در میز غذا، خوان».

- . čatis .۲۷
- . Mēwānāy .۲۸
- . Sāyarak .۲۹
- . Nanai-δat .۳۰
- . Artewan .۳۱
- . Farn-xund .۳۲



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع فارسی

قریب، بدرالزمان، ۱۳۷۴، فرهنگ سغدی، انتشارات فرهنگان.

## منابع لاتین

1. Gerrchevitch , Ilya. , 1961 , A grammar of Manichean Sogdian , Oxford Henning, W.B ,1948, The date of the sogdian ancient letters, Bulletin of the School of Oriental and Africa Studies,University of London ,vol.12, pp.601 - 15 Reichelt, Hans, 1931, Die Soghdischen Handschriftenrests Des Britischen Museums.
2. Sims - Williams, Nicholas,200 1 ,Monks and Merchents, Silk Road Treasures from Northwest china (New York).
3. Stein. Aurel ,1921 , Serindia, Detailed report of explorations in central asia and westernrnost china, vo.2,4.
4. www. Agnes Kelecsenyi, A Hungarian on the silk road, The Hungarian Quarterly, vo.xliii , no. 167.
5. www. Changan , Wikipedia , the free encyclopedia www.China view, Xinhua - English www.Chinese cities and province.
6. www.Chinese silk road.
7. www. Dunhuang , Wikipedia, the free encyclopedia www. Exploring Chinese History Geographical Database [www.Gansu.com](http://www.Gansu.com).
8. www. Gansu - Encyclopedia, History, Geography and Biography.
9. www. Gansu, Wikipedia, the free encyclopedia [www.Iranica.com](http://www.Iranica.com) - Henning, Walter Bruno.
10. www. Jiuquan, Wikipedia, the free encyclopedia.
11. www. loulan , A lost kingdom in Taklamakan.
12. www. Notes on the history of Dunhuang.
13. www. The ancient state of loulan.
14. www. Sims - Williams, Nicholas, Sogdian Ancient Letters .
15. www.Sogdiana Wikipedia, the free encyclopedia.
16. www. The origion of lolan' s name.